

با استتار و تفکوک کرده قرار می دهد بقرار فتنه بعضی چون علیحضرت امپراطور فرانسه از علیحضرت امپراطور
 او ستریا جزئی نگذرتسلی بوده است و شارل مارشال را بجهت فهمیدن سبب نگذرد و فرغ آنها نمود
 بوده اند و بسا بعد از بعضی افکار این دو امپراطور یکی گشته است و علیحضرت امپراطور فرانسه
 قرار ملاقات با علیحضرت امپراطور اوستریا داده اند که در ممالک المانی ملاقات نمایند و فرغ کرده است
 کرده باشند و یا اینکه امپراطور فرانسه امپراطور اوستریا را مخصوص دعوت نمایند و ملاقات بکنند
 و از قدیم الایام در حین کشاده شدن مجلس پارلمنتوی دولت ساردینیا قرال آن دولت با آلائی و بدین
 مخصوص مجلس پارلمنتوی میرود و بنا باحوال محکمت خودش در آن مجلس نطق رسمی جاری نماید در اوایل
 ماه جمادی الاخری که آن مجلس کشاده شده بوده است علیحضرت قرال دولت ساردینیا با قانون قدیمی خود
 بمجلس پارلمنتورفته است و در آن مجلس رسمابیان و اطهار کرده است که الهی ایطالیانی اینوقت
 فوق العاید در رحمت و شفقت مستدامید و ابریم که جناب حق تعالی این شفقت آنها را تحیف بدید و در
 عطا نماید چه تشکر این نطق رسمی هفت هشت روز بعد از آن الهی مجلس پارلمنتو بحضور علیحضرت دولت
 ساردینیا رفته اند با از جانب دولت شارلیه افاده و تقریر گشته است که این سال نو ما با حسن
 حال آمد و با حسن احوال در گذشتن است و ان شاء الله تعالی آخر سال نوبخیر و خوبی خواهد بود
 در روزنامه پرس نوشته اند سابق برین در باب عفو و اخراج بعضی اشخاص که از جانب دولت
 ناپولی آنها مجبوس شده بودند و از جانب دولتین انگلیس و فرانسه التماس گشته بوده دولت ناپولی
 قبول نموده بود و فیما بین این دولت بحال مخبره قطع گشته بود این اوقات باز از جانب دولتین در عفو
 اطلاق اینها تاکید شده است چون عفو و اخراج اینها را خود بخود دولت ناپولی بر خود کوارا
 نموده و از نگاه داشتن آنها را در حبس باز نثری مشاهده کرده است درین باب تشریح و تمهیدی
 نموده است پرسش را که قابل تأمل نبود بسای غرور و جشن گذارده و در این جشن و عروسی
 خیلی از مجبوسین امرخص کرده از جمله آن اشخاص را نیز مرخص نموده است
 در روزنامه های رسمی میلان نوشته اند سفیر دولت انگلیس که در پاریس است بوکیل
 خارجیة دولت فرانسه و ساردینیا رسماً با مضموت بی حال نموده است که اگر دولت ساردینیا
 بجهت مسئله لومباردیا بدولت اوستریا اعلان حرب نماید دولت انگلیس علاوه بر اینکه پطرف
 نخواهد شد از جهت موازنه اینکه دولت او را در پانچال پذیر نشود با دولت اوستریا امید
 داریم که اتفاق نیاید

روزنامه و قیام اتفاقاً بیاریخ نهم پانزدهم شهریور سنه ۱۳۲۵ مطابق سال قوی یک



نمره چهار صد و پیشش

منطقه دارا اختلاف طهران

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر یک دینار

هر نسخه ده دینار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا اختلاف طهران

چون سواره رومی جهان آرای بجایون شاهنشاهی خلدانته ملکه و سلطانته که بالهات غیبی منعم و
 همت پادشاهی که بتایدات لاری مؤید است در تحمیل حواص سلطنت سنیه و تشید مبانی
 خط و حراستین مبین دولت علیه مصروف است لهذا برای مصلحت سنجی نظام کل مبارکی
 و فیروزی و یمینت و بجزری در روز شنبه بیست و هشتم اینماه شاهزاده انجم کامران میرزا را
 بنیابت سلطنت کبری و خلافت عظمی سزبلند و کافانام را از خواص و عوام پنج آمال و کامران
 بره مند فرمودند فرمان قضا شمول شرف و در یافت بخلعت آفتاب طلعت سرافراز داشتند
 حاجی سلیمان خان قاجار را بوزارت و پیکاری معظّم الیه تعیین و برتشار فرمودند و
 چون شاهزاده حسام السلطنه سلطان مراد میرزا بوفور کفایت و مملکت داری و فرط درایت
 خوش رفتاری در پیشگاه حضور هر طور علیحضرت شاهنشاهی خلدانته ملکه و سلطانته موصوف و
 بحاسن کاردانی و مرزبانی معروف بود ایالت و حکومت مملکت فارس استقلالاً بفرمان
 و عنایت فرمودند فرمان جابنطاق شرف صدور یافته طلعت مرحمت شد و عنقریب از
 خاکپای مبارک مرخص در روانه مقر ایالت خود خواهند کردید و انشا الله تعالی از محاسن
 و ایستام ایشان بیخ اختلافات آن مملکت قرین اصلاح خواهد شد (چون میرزا هشتم
 در وصول تنخواه صرف طلب مبارک گنابرا بجیبی اوست حسن خدمت و فرط صداقت ظاهر کرده)

در خاکپای مبارک مستحسن افاده با عطای یک قبضه قمر صغیر (در روز چهارشنبه) بعد هم سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهی خلد الله ملکه و سلطانه بشکار تشریف بردند و در باغ محسنیه که از باغهای خاصه سکر اقدس همایون بود و ملکیت آنرا پسر میرزا امیر آخور مرحمت و عنایت فرموده اند تشریف فرما شدند و امیر آخور پیشکش و پاندا از شیرینی و مرکبات در باغ موجود کرده و سایر طرزوات چاکری و جان فشانی بعمل آورده مسکر علیحضرت شاهی در باغ مزبور برهنار میل فرموده بشکار آهوتشریف بردند (نظر بحسن خدمات و صداقت کار)

و کفایت ارادت شعای میرزا مصطفی خان افشار که در نظر خورشید اشراف سکر اقدس همایون شهر یاری محل قبول و استعجاب یافته و جلوه گراست مبلغ پانصد تومان نقد بدون وضع رسوم همیو دیوان حسب الامر الاقدس الاعلی بر مواجب سابق او افزوده گشته و یکراسل سبب نیز از صطلیل خاصه بشار الیه عنایت شد اخبار قشونی چند روز ایام عید سعید نوروز را که عا کر منصوره از مشق کردن معاف بود و در روز شنبه پست و یکم هر کدام در محل مشق خودشان مشغول مشق میباشند (پس از این اوقات تمامی ایام اوقات خود را صرف تدارک قشون مهینت نمون که مقرر رکاب همایون مستند کرده همه روزه در دیوانخانه نظام موجب افواج مقررین را نیز بفرزاد قرار شخص شکر نویسان میدهند و معنته دو روز در مبارک رفته و در خانه و در سفر ایام میکنند) فوج نهاد جمعی محمد رضا خان نیکه سر قپ چون از اول گرفتن فوج قدیمی سر با زنی پا و داو طلب داشتند همیشه فراری و بی نظم بودند این روزها سپسالار با عرض حضور قرار دادند که سبب زداو طلب بی پاکلا احضار شوند و کسر فوج را از روی پیشخ و قمری بدون شرم شریکی بگیرند و فوج مزبور را مرضی کردند که به سر راهی محمد رضا خان سر قپ فوج مزبور رفته فوج را از قرار دستور العمل تمام نمایند (فوج خرقانی جسمی علیقلی خان سرهنگ که احضار رکاب همایون شده بود و متوقف در آنکلا فایوم یکشنبه پست و دوم وارد شده قرار دادند که سان دیده تدارک و سایر طرزوات آنها داده شود) (تفصیلات بهندرجی که احضار رکاب همایون شده بودند روز نوزدهم وارد شده در دیوانخانه نظام سان دادند) خلاصان جمعی حسن آقا یوزباشی نامور کرمان و همراه کیومرث میرزا حاکم کرمان روانه شده و همچنین توپچیان ساخو قدیم کرمان را عوض مأمور شده که قدیمی نامرخص شوند و توپچیان مأمور ولایات نیز از قبیل استرآباد و بنظام و عنبره معین شده شرفیاب

حضور همایون کشته مرخص گردیده فرستند

چون موسیو پیش که از امانی ایتالیاست افواج قزلباش دربار کبیری طایفه همایون از قریب تعظیم و تعظم نموده و مراتب خدمتگذار می خود را مشهور و معلوم داشته است لهذا بر حسب حکم نظامی معروض شد که اجودان با شتی نظام با حاد و هند افواج قاهره قدغن نماید که همسه روزه سوای ایام تعطیل در میدان مشق از قرار دستور لعل مشارالیه مشغول مشق نظامی بوده نگاه دارند

سایر ولایات

یزد از شهر آریکه در روزنامه یزد نوشته بودند در این اوقات جماعت خبازان از افواج یکن شاه هفت شاهی میفرود خسته اند و قدری بر فقر آنها کوار بود صاحب دیوان گلران ولایت یزد در رسیدگی نمود و قدغن کرده است که مان بسیار خوب از قرار سیصد دینار بفرود و بجهت و فز نعمت حاصل امانی ولایت شکر گزار و دعاگوی دولت ابدار میباشند سه نفر شتر با بار آنرا که سه هزار تومان نقد بوده و نقد اجتناب چهار هزار تومان میشده است در حوالی دات یا قلعه از مال تجار برقت برده اند صاحب دیوان بموسی خان ضابط شهر با یک نوشته که اموال تجار را حکما پس انداخته و رد کند و مشارالیه قبل از رسیدن نوشته صاحب دیوان جمعی سواره و پیاده متعاقب در دنا فرستاده بود سارقین همینکه دیده بودند سواره و پیاده عقب آنها می آید در شب شتر را را کرده خود شتر را بکوه نموده اند و سواره و پیاده مزبور شتر را با بار آن تمام و کمال آورده تسلیم علی جمال که حامل آن بوده است کرده اند و از بیخه تجار و عنبره زیاده از حد دعاگوی ذات اقدس همایون شده اند و نیز از قرار یک نوشته اند صاحب دیوان معارف فرستاده اند که رباط پست با دام را که دهنه عشبو بطوح است و محل سکای مستخفین باشد و خراب شده است باز دید و تعمیر نمایند و همچنین حسین آباد نکند را اینست تعمیر کنند که موجب مزید دعاگویی مردم بوده باشد قبل از رفتن صاحب دیوان ابریشمی از شخص یهودی برقت برده بودند مغزی الیه یکد خدا قدغن نمودند و سارق را پیدا کرده ابریشم را بصاحبش رد نمود و سارق را نیز سیاست کردند

گفتند در آن ولایت اکتفا اصلات ترقی ندارد و نهایت فراوانی و ارزانی حاصل است و مردم بد دعاگویی اشتغال دارند

اخبار دول خارجی

در جریده الحوادث نوشته اند در مجلس منعقد در پاریس قرار شده بود که بر یک از محکمتین بعد از
 و افلاق کنیز حاکم باذن اجازه علیحضرت سلطان و نه شش ماهین و برقرار شود مالی بعد از خود سه و بنا
 بخوابش خودشان عکس آری فوزه را بخودشان حاکم نموده بودند و حال آنکه نصب و اقطاع
 عکس آری فوزه بحکومت آنجا معایر و منافی قرار مجلس پاریس و از جانب سلطنت سینه عثمانیه
 تصدیق حکومت او نگشته بود حکومت عکس آری فوزه در بعد از آن که صورت تردید و تردد در اقدام
 مالی افلاق نیز او را بحکومت خودشان جهتیار کرده قرار داده اند و این کیفیت بتمامه معایر معایر
 منعقد در پاریس کشته و اتفاق افتاده است درین صورت تکرار تذکار کیفیت مرقوم و قراری
 درین ضمن از جانب دول متفق و متعاهد هم شده است (در روزنامه تلیمس که در لندن
 طبع میشود نوشته اند دولت انگلیس بعد ازین اگر عربی واقع شود بدون اتفاق با دولت دیگر اقدام
 در حرب نخواهد نمود و از نتیجه میخواهد که قوه بحریه خودش را بدرجی که تفوق بقوه بحریه تمام دول اروپا
 داشته باشد برساند و در خصوص نهایت اقدام و دستام را دارد و چون وقت موسم اینکه
 بتمامه قوه بحریه را بید استقلال بگیرد میرسد در انگلیس مجلس بزرگ و مخصوصی لازم است قرار بدهند
 در جریده الحوادث از سال مشهور به سه دوره مونت که در پاریس هر پانزده روز یک دفعه طبع میشود
 ترجمه و نقل کرده اند که سبب جهت غیرت و همت دولت انگلیس بخصوص شکست قوه بحریه که این اوقات
 مشاهده و ملاحظه میکرد معلوم و معلوم نمیشود اگر از برای تفوق و معابله بدولت فرانسه است
 دولت فرانسه آنها در مرتبه دوم خواهد بود با انگلیس تجار به کردن چو وقت بخاطر و خیالش خطور
 نماید سال گذشته که تحریر سفاین دولت انگلیس را کرده بودند و تحریر سفاین دولت فرانسه هم
 شده بود سفاین و اپور فرانسه شش یک سفاین و اپور انگلیس و سفاین یکنی فرانسه چهار یک
 سفاین یکنی انگلیس بوده است با این حالت نباید مالی فرانسه و کار مجاریه با انگلیس
 افتاده باشند لکن از برای دولت فرانسه تدبیر و چاره استحکام و مسانت
 لشکرکاهای خود اولاً لازم است اگر فیما بین دولت فرانسه و دولت انگلیس
 چیزی بروز نماید و برودیه ظاهر شود آنها یکماه خود را در بیرون
 نمایند دولت فرانسه در محلهائی که ایجاب مینمایند
 باز در حرکت ایجاد و احداث قهوجات است

۲۸۶۶

اسلامبول بقراریکه درجریده الحوادث اسلامبول نوشته اند چون از پیردستالی شام
 راهها بسیار خراب گوه و کتل زیاد پاشیده برای عبور و مرور رفتنای زحمت و مشقت کشیده میشود
 ساخته شدن آن راهها از شام الی پروت که بجهت مترددین سهولت حاصل آید اراده نموده بود و بدین
 اخباری که درین اوقات رسید است در کنار جنگلی که در نزدیکی پروت واقع است الی صیدا و اعیان و
 اشراف پروت حاضر و جمع گشته تشکیل بیاهی جاری نمودند پس از آن الی مشارالیه بجهت ابتدا شروع
 در ساختن آن راه خود بالذات در سبب کار بدست گرفته قدری مباشرت شروع در کار کردن
 نموده است بعد عمل مخصوص بنسای کار کرده اند مجموع الی آن صفحات ازین کیفیت شکر گزار شده اند و
 در عالم انصاف اقدام نمودن الی مشارالیه و سایر اعیان و وجود آن محنت در ساختن آن راه و اثر محبت و
 غیرتی که از آنها بروز نموده است بجای تحسین و شکر گذاری دارد (و نیز نوشته اند چون از داب
 و قاعده دیرین دستبندت روم است که هر سال در روز هفتم کانون ثانی حاجی بدریامی اندازند
 و پشت سرا و چند نفری خود ساز آباب می آنگند هر کس که آن حاج را بیرون بیاید و در از جانب
 پولی جمع کرده با و میدهند اما سال نیز در همان روز عمل جانچ کشتی تجاریست که در بوغاز مستند بودند و آنست
 روم مسم هر که در بند بود با عبادت خودشان خلیج بدریا آنگذند و پشت سر آن چند نفر خودشان را
 آباب می اندازند و نفر از عجایب کشتی کی از آنالی کفایت دیکری از آنالی یونان یکدفعه آن حاج را
 گرفته بیرون می آورند این دو نفر با یکدیگر بنسای نزاع میکند از هر یک میگویند من گرفته ام
 و از خصما بعضی بطرف اری یکی و برخی بکایت آن دیکر میسرند و عواد نزاع بجنگ و جدال میکند
 در حال تسلیم مقام بوغاز نسبت به اعتراف کیفیت اباسلامبول خبر میدهند در همان صین یک فردی
 دولتی با یکفرون و اپورد دیکر با نظرف میفرستند و بسبب نزدیک بودن بوغاز نسبت به فوچی از آنجا هم
 قدری عسکر میرسد و دعوا را ساکت نموده و مانع جنگ و جدال میشوند و آنها نیکو باعث و سبب دعوا
 شده بودند آنها را میگیرند و قریب سی نفر در آن دعوا تلف و مجروح شده بودند اند

انگلیس در روزنامه های انگلیس نوشته اند در او احسن جمادی الاخری در لندن مجلس پارلمنتوی قومی
 که مفتوح و گشاده شده است خلاصه نطق اعلیحضرت پادشاه انگلستان باین مضامین بوده است
 حقوق دوستانه دول متحده منصفانه که بطرف از گوازیات است به رجوع کمال پاشد و در هر حال
 انکار و مراد با زیاد محبت و حقوق با جمله دول با یکدیگر روابط اتحاد و دوستی است مجموع

۲۸۶۷

عهدنامه‌هایی که در نزد ما بست و مستزم آسایش عمومی است خلل پذیر نخواهد شد و نظام تمام آنکه در پارسی تنظیم و ترتیب شده است بموجب آن عهدنامه مالی مملکتین در اجرا کردن احکام آنها هستند با دولت دوستی چندی قبل معااهده تجارتی عقد شده است اگر چه با دولت دوستی سبب مسئله زایل برودتی که فیما بین ما حاصل آمد رفع گشته بود مع این بموجب احکام عهدنامه مذکوره حقوق دوستانه قدیمی کافی السابق حد کمال یافته و مستغنی از پان است قوه بجزئی گشتی واپوریکشان و شوکت بزرگیت و از نتیجه تجدید کشتیهای مکنی را لازم دارد و برای شریک و مرتبت شان دولت انگلیس و حصول امنیت واپورکشتن مجموع کشتیهای مکنی را با ايجاب نماید از شما آنکه وکلا و اکابر و اعیان دولت وقت مستید از حال ترتیب و حصول یافتن این امر را قویاً مایل میدارم در تهیه و تدارک مصارف و نایبید (اینصورت نوشته اند جزیره اوسترالیا که در بحر معتدل واقع و در تصرف دولت انگلیس است از چند سال قبل تا بحال جمعیت آنها پیشتر گشته است و عدد نفوسشان زیادتر چون با انگلیس بسیار بعد مسافت دارد لهذا از جانب دولت انگلیس امورا داره و حکومت مملکت را با مالی خودشان نگذار نموده اند و در این اوقات از جانب اهل مملکت مجلسی ترتیب داده اند و منع کلی بر اجماع از قرار سالی صدش از ضرافان انگلیس قرض کرده و تمامی داخل آن جزیره را رهن گذارده اند و بقرار یک مذکور بوده است این پول را بجهت ساختن راه آهنی قرض نموده اند و این حکایت بسیار بنظر عجیب و غریب می آید که بجهت ساختن راه آهنی اینقدر پول قرض کنند و تمامی منافع و حاصل جزیره مزبور رهن بگذارند

۲۸۶۸

روپس در روزنامه‌های روس نوشته اند درجه شرقی قطعه آسیا که در حدود سبر و چین واقع است در اطراف نبرآمور این اوقات از جانب دولت روس قدری قشون فرستاده اند که هم محافظت آنها را نمایند و هم بقدر کمایت خودشان بامر زراعت مشغول شوند و از جانب آن دولت اذن و رخصت تأهل کردن بصنا بطن و تابعین آن قشون داده اند تا پوسیلے در روزنامه‌های ناپولی نوشته اند که بقدر پنجاه نفر از صنایع عساکر بجزیره آن دولت بعضی خیالات فاسده نموده اند این اوقات که خیالات آنها بروز و ظهور یافته است از جانب دولت تمامی آن صنایع را گرفته و حبس کرده اند (و نیز نوشته اند در این اوقات یکپاره و حرکات نامناسب از مالی آنولایت معلوم شده است لهذا از جانب ناپولی بکشتی عساکر موجوده امر گشته است و پنجاه هزار نفر با قوه داخل سدلک عسکریه نموده اند

روزنامه و قیام اتفاقیه بیخ یوم شنبه سیم شهر رمضان المبارک سال قومی ۱۲۷۵

منبعه دار کتبخانه طهران

نزه چهار صد و پست و هفت

قیامات

قیام روزنامه

هر سطر دو سطر

هر سطر دو سطر



اخبار داخله ممالک و مروجه پادشاهی

دار کتبخانه طهران

نظر بطور خدمت و مراتب کفایت شاهزاده نصره الدوله سنیروز میرزا در حضور مهرنورد سرکار
اصحرت شاهنشاهی بعد از آنکه در غیاب موکب فیروزی کوکب هایون امر و معتبر فرمودند که
در دار کتبخانه موقت باشد و از احوالات سایر ولایات نیز به استحضار حاصل نموده از بهر ولایتی
که خبر میرسد فوراً با چاپار بار دوی هایون فرستاده بعرض حضور مبارک برساند و شور العمل
مفضل در کارهای معری لمیم مرخصت شده دستخط مبارک ازینقرار در صدر آن شرفصدور یافت
بهترین طهور مرحوم طوکانه در حق معری الیه همین دستخط مبارک است که

سواد آن این است

نصره الدوله باید کمال استقلال را داشته باشد و بهیچک از نوکران امور و موقت طهران
نباید از کرده و صوابید شاهزاده تحلف کند هر یک تحلف کند مورد سیاست خواهد بود
حقیقت نصره الدوله در غیاب در امورات و خدمات محوله بخود کمال اختیار و تسلط را دارد
دستور العمل نصره الدوله ازینقرار است که نوشته شده است بمذمورین دار کتبخانه باید
آنی از خدمات و یوانی غفلت نکند و نصره الدوله شب و روز باید مراقب نظم و انضباط
و نواحی باشد و در حقیقت نظم ممالک اطراف هم با نصره الدوله است

که باید مواظب باشد ۲۲ شهریور شعبان المعظم سنه ۱۲۷۵

در روز چهارشنبه پست و چهارم شهر شعبان المعظم سرکار علیحضرت فقید قدرت شاه شاه دین پناه
 خلد الله ملكه و سلطانة بعزیت زیارت و ضمه متوره بعضه احمدی حضرت مصومه علیها و علی آباها الف سلام
 و تحیه و تشریف فرمائی چنین سلطانیه از مقر خلافت کبری حرکت فرموده بیاع سر و سستان واقعه فریاد نگاران
 بیمنت اقبال نقل مکان فرمودند و چند روزی ادران بیاع ترست قرین برای قرار بعضی امورات دولتی تشریف
 داشتند و دستوالعمل اوامردار اخلافه و ولایات ممالک محروسه اقرار میفرمودند تا در روز سه شنبه
 پست و نهم که قرار اسب دوانی اسبان سو فانی داده شد بود بمیدان اسب دولتی تشریف فرمائی
 و آنروز بیستم که شاه جمال جایون که سالها مردم بآن بانوسر بودند و چندی محروم میماندند و هم تمام
 اسب دوانی بحدی ازدحام شد بود و جمعیت کشته که در هجرت چنان جمعیتش جمع شده بود در اسب دوانی
 نظر بانگه اسبان سو فانی سرکار علیحضرت فقید قدرت شاه شاهای پیشین آمدند بکوشه کلبچه از غبوس عین مبارک
 در حق امیرزاده محسن میرزا رحمت فرمودند و بعد از فراغت از اسب دوانی چاکران در بارهایونی را که
 از کارها و دستوالعملها شان قدری باقی مانده بود احضار فرموده بانجام و اتمام امورات آنها پرداختند
 و طرف عصر از آنجا تشریف فرمای یافت آباد شده چهارشنبه هم دریافت آباد توقف فرمودند که بهم
 کارهای قشونی و دستوالعمل و فرمایشات لازمه بود با سپهسالار و امین لشکر و سایرین فرمایش فرمایند
 و هم از طبقات نوکر اگر کسی بجهت مدارکات کارهای خود ناقصی داشته باشد تمام کرده برسند و در
 یافت آباد امر و مستر فرمودند که محمد رحیم خان پشی باشی بانسجیان ابوالجهمی خود و پنجاه نفر سواران
 متوجه حفظ نظم آرد و باشند و مطابق نقشه که داده شده است نکلزارند چادرانی نظام نگه دارند
 و پنجاه نفر غلام با کینفریوز باشی برای تسدولی و پنجاه نفر غلام با کینفریوز باشی برای چنداولی مقرر
 فرمودند بجهت محافظت محارست ز راهان محله مردم که آن سوار قراول قبل از همه نفقه در راهها و دوات
 در منزل محل توقف اردوی جایون متوجه باشد کسی خرابی و اذیت از ضرر بر عیت نرساند و علیقلی خان
 اجودانباشی هم که امرش و نظم قراولان سپه پرده مبارک بعد از اوست به شب میان سپه پرده باشد
 و درست در نظم امر قراولان وقت اهتمام نماید و در جمعه چهارم شهر رمضان المبارک را از یافت آباد
 بیمنت و قریخی اردوی همسایون کوچیده در قریه ادران که جدید مخصوص وجود همسایون ابتاع شده است
 و از خلافت آرمطه است و عمارات خوب سلطانی دارد نزول حبس لال فرمودند و روز سه شنبه بیستم
 یا سه شنبه بیستم از ادران حرکت خواهند فرمود (حاجی میرزا محمد خان دبیر ممام خارجه
 نایب اول وزارت امور خارجه بر حسب فرمان عنایت قوامان بجهت انجام خدمات مقرر و تسویه

۲۸۷۰

قرار دادند که فیما بین پهلوی کبر دولت علیّه و ادویای دولت عثمانی در اسلا مبول سمت تمام
 یافته نسبت اموریت مخصوصه نامور گردید و در آن ضمن دایره تنظیم امورات تبعه دولت علیّه که در
 عراق عرب اقامت و عبور دارند من حیث المجموع بعد از کفالت مراقبت او و گذار و با عطای کیو
 جبهه سرفراز و قرین مباحث آمد و میرزا علیخان سپهسالار که حسن خط و ربط و شایستگی داشت حرب
 فرمان همایون بمنصب منشیگری وزارت امور خارجه و با عطای مواجب سربلند گشت و بجهت اینکه در عهد
 دولت علیّه تربیت شود با اتفاق مشارالیه نامیرور دانه صفحات عراق عرب گردید
 چون میرزا آدمی عاقل و کار دان بود بر حسب فرمان همایون منشیگری تمام خارجه کرمانشاهان و
 اعطای مواجب سرفراز و امور و روانه آنولا گردید که بصواب بدید عمادالدوله حکمران آنجا بکار
 دایره فیما بین تبعه دولت علیّه و تبعه خارجه مراقبت کرده آثار صداقت و خدمت را بطهور آورد
 چون احترام و رعایت حال صاحب منصبان فرنگستان که در دربار همایون نسبت نوکری اقامت
 دارند منظور نظر مبارک پادشاهان است این اوقات صاحب منصبان دولت فرانسوا زرقا
 بعضی از مجال دار اختلاف نزد سپهسالار شکایت کرده بودند لهذا حکم همایون بشرف اصداق
 گردید که عموم صاحب منصبان مالی دار اختلاف احترام آنها را بقدرشان بعمل آورده خلاف
 قاعده آنها رفتار ننمایند که مورد موافقت خواهند شد (نظر بانکه میرزا زین العابدین مستوفی در عمل
 استیفای دق و سایر خدمات محوله صداقت خود را ظاهر ساخته اند این اوقات با عطای کیو
 جبهه تره کرمانی حاشیه ارقین مفاخرت و مباحث شده سرفراز گردید) (تومانی چهار صد دینار
 بر فروعات دیوانی حکام جزو قراقرز و قراقرز داده بودند از رعیت می گرفتند و مراتب سرتیپ ناصر الملک بعضی خاک
 مبارک رسید فرمان همایون بشرف اصداق یافته تخفیف مقرر شد که بعد از این مطالبه ننمایند و باعث عا کوفی وجود
 کرد

۲۸۷۱

چون میرزا محمد صادق امین الدوله که یوزارت امور داخله سرفراز بود فرا جش زیاده علیل و از آلام
 مزمنه نفاست بسیار داشت از عمده خدمت محوله بجزو تخموانست برآید لهذا هنگام غریب سفر
 میمنت از سلطانیّه که عموم چاکران در کاه را تحمل مشاق خدمت پیش از سایر اوقات در پیش بود
 سرکار علیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی او را از منصب مزبور معاف و مسلم فرستادند که آسود
 و مرقد الحال مشغول دعا کوفی باشد
 چون در خاک پای همایون معروض و محقق گردید که در این چند سال نسبت بجاحتی که از راه جبل زیارت

پست تمام احکام میروند از امیر حاج و غیره کمال تعدی و بی اعتدالی میشود لهذا مجمع انالی مملکت ایران
 ابلاغ و احبار میشود که ما دامیکه کار گزاران دولت علیه در نیاب قرار درستی ندادند و سرحد
 داران دولت علیه عثمانیه در نظم و انضام آن اهتداری ندادند و در نیاب قبح غن و تعهدات تازه
 بعمل نیامورده اند احدی اذن اجازه ندارد که از راه جبل بزیارت کوه معظّم برود و الا شرفا و
 عرفا مورد نوا حنده خواهد بود و مال و جانش در بر است و کار پرداز دولت علیه سقیم بغداد
 اذن دارد که هر کس از راه جبل خواست باشد بطواف بیت الله احرام مشرف شود محافظت نموده بگذرد
 از اهل ستم خانه دار باشندون جمعی که حسب الامرهایون برای تحصیل علوم با امور پاریس بودند بآنجا
 حسنعلی خان سر قیاد و اچمی مخصوص و وزیر مختار با آنها برودند و در شب پست و هفتم شهر شعبان
 در باغ سروستان با سایر شاکرد های رسنه از القون شرفیاب خاکپای همایون شده و بقانون
 سنوات ضمیمه در حضور مبارک بر رسم عیدی شاهنشاهی شرفی گرفته شد شاهزاده عقصا در سلطنت هر یک از
 آنها را در مراتب تحصیل در خاکپای همایون معرفی نمودند و با امورین پاریس امر و مقرر گردید که در شنبه
 پنجم شهر رمضان المبارک از دارا خلافت روانه آذربایجان شوند و در روز مزبور با اتفاق عبدالرسول خان
 که رئیس آنهاست روانه مقصود خواهند شد

۲۸۷۲

سیم تعزات که حسب الامرهایون میبایست از دارا خلافتی سلطانیته کشیده شود بعد از آن
 تعالی الی تبریز و همچنین تا سایر ولایات محروسه کشیده گردد تا سلیمانیه شرفی طهران کشیده شده است
 و در نهایت سرعت از طهران تا سلیمانیه با تعزات گفتگومای بسیار میشود و شاهزاده عقصا در سلطنت
 اهتمام دارند که انشاء الله تعالی قبل از ورود موکبهایون سلطانیته سیم مزبور با آنها رسید باشد که از
 سلطانیته بطهران بخوبی گفتگو شود و در باب محافظت سیم تعزات و عیب نکردن آن باید در هر جا که است
 حکام و عمال و مباحثین آن خود را از مراقبت بعمل آرند که از مرتدین و غیره اسپسی آن نرسد و الا
 در خاک هر یک از حکام عیب گذرود و مواخذه و سیاست پادشاه خواهد شد در نیاب دستور العمل
 علیده مرقوم و صورت انطباع خواهد یافت که به آنها تکلیف خود را بدینند از انقرار رفتار نمایند
 چون امان الله خان والی در اشظام سرحدات و بلوکات کردستان خدمات نمایان کرده بود
 یک قطونشان از مرتبه دوم سرپی با حایل مخصوص آن مرتبه بشمار ایسه مرحمت شد

سایر ولایات

خمس از قرار یک نوشته بودند شاه قبل ازین پانزده نفر شتر از حاجی کریم عرب در پل لاک

بر وقت برده و سرخ آنها را در آذربایجان داشتند از جانب اولیای دولت علیه محفل مانده
 شده رفت بعد از ورود در بخان چراغ غسلی خان حاکم غمگین را نگذاشته بود با آذربایجان برود چند
 نفر در در میان طایفه قرابله صراع داشت که شیده بود مدتی قبل ازین چند نفر شتر آورده بودند
 غنچه فرستاده آنها را گرفت در مقام تحقیق که برآمد معلوم شد سارق همان شتران آنها بودند که غنچه
 جس کرد هفت نفر از شتران مزبور حاضر بود گرفتند بیست نفر دیگر را فروختند و در قرارداد قیمت
 آنها را بدیند و خود آنها را در حبس نگاه داشت تا دو نفر دیگر از رفای آنها که یکی میان طایفه قورچک
 و یکی میان ایل شاهسون مسکین رفته اند بدست آورده آنها را هم بگیرند

کرمان از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند با آنکه هنوز کمی مرث میرزا و محمد اسمعیل خان
 وارد آنجا نشده بودند امر مشهور و محلات بحال نظم و نهایت نیت را داشته است و زنان کلان
 در انتظام ولایت خیلی اهتمام داشته است مردم دعاگوی دوام بقای ات پهل پنا
 یزد و از قراریکه در روزنامه نیر و نوشته اند مردم آن ولایت از حکومت صاحب ویوان زیاد
 خوشنود و دعاگو پنا شده و معری الیه در سرپرستی رعایا در ایاد و رسیدگی امور دیوانی و ولایستی
 مستنمای سعی و اهتمام را دارند و امور آنجا از هر چه مستنظم و انالی آن ولایت بحال آسایش مشغول
 دعا گویند و شغل خود هستند

اخبار دول خارجه

در جریده الحوادث اسلامبول نوشته اند که از انالی از میر شخص صاحب دولتی هر سال در موسم زمستان
 برهنا و آشنایان خود ضیافت بزرگی که بنا بر مشور معانی بال استظنموده است او آنچه از ناگولان
 و مشروبات لذیذ و لطیفه مقدور میکشند است میا کرده مجلس بسیار خوب بازی تریب میداده است
 امسال نیز بقراسنوات سابقه تدارک و تهیه ضیافت آماده کرده و اسباب اوضاع قبل
 از فتادیل و شمعدانها و شمعا و غیره فراهم آورده قریب یکصد و پنجاه نفر را رفته نوشته و شب
 بعد از آنرا وعده خواسته بود از قضا بعد از آنکه همانها را وعده گرفته و کیش شب ضیافت نموده
 یکتقرا از اقوام و خویشان میزبان می آید و از او خواهرش میکیند که از فلان کس هم وعده گرفته بود
 بنویسد صاحب خانه را چون از آن شخص خوشش نمی آید به است خواهرش اینقدر استسول نمیکند و او
 با یوس کشته و پیردن قد در پیش رخ در پیری میناید بر میدارد و بهمان اشخاص که صاحب خانه رفته
 نوشته و وعده خواسته در بان مضمون رفته می نویسد که از منوبان نزد یک من شب یکی دفا

نموده است من ازین واقعه بسیار متالم هشتم شام آمدن بصنیافت امشب موقوف داشتم فردا شب
بیاید همانا بعد از رسیدن قهار فن شب اموقوف میدارند صاحب ضیافت با کمال ذوق و شوق
تمام تدارک را فراهم آورده وقت عصر قذلیها و شعبارا روشن بنمایند و مستظرا آمدن همانا میشود
که احدی نیاید تا چهار ساعت از شب گذشته با نهایت اوقات تلخی انتظار همانا را میکند احدی نیاید
از دلیل نیامدن آنها حیران میشود و چیزی نمی فهمد بعد از آنکه چهار ساعت از شب میگذرد چون
بعضی از مطبوعات ضیاع شده است بنا میگذارد که طعامها را به همسایها و قرا داده باشند و
خودش از غایت غیظ و کدورت گاهی شمع و قندیل خاموش میگرداند است و گاهی بخانه همسایها
رفته طعام میبرد می داده است درین بین بخانه یکی از همسایها میرود صاحب آنخانه از این خبر
میشود که این چه مقدمه است که فراهم آورده چه از مردم وعده گرفتاری و چرا بعد از آن عذر خواهی
و دوباره چه تدارک دیدی صاحب ضیافت میگوید که من از مردم وعده گرفته و تدارک دید
بودم تا اینوقت شب انتظار کشیدم کسی نیاید حال خودم که طعام و مطبوخ ضیاع نشود اینطور
کردم آن شخص همسایه بنا میگذارد با ظن رنجب کردن و نقل میکند که من امروز جانی بودم میفر
از اقوام شما آمده بدو سه نفر که در خانه شما وعده داشتم از قول شما رفت آورده که آمدن
امشب را موقوف داشتم فردا شب بیاید آنها قبول نمودند و فردا شب را خواهر بسند آمد چون
صاحب خانه اینکایت را میشود از ناپاکی آن قوم خودس و شسته کشته و از اینک بفردا شب
وعده خواسته بوده است که در شش شپتر میکرد چون دیگر فردا شب دیدن تدارک معذور نبوده
صبح بتامی همانا اعلان و جنب را این کیفیت کرده عذر مطلقه از نیامدن همانا میخواهد
در روزها حامی فرنگستان نوشته اند که این اوقات دولت سار دنیا باستقراض بخواه بیان
فرانسی که پول ایران ده کرده باشد قرار داده است از بعضی صرافان بخواه
پاریس در فکر قرص کردن و جابجا نمودن شخواه مزبور هستند
و بنا بر وایت بعضی از صاحبان روزنامه اگر
بدولت سار دنیا مقام ضرورت
و احتیاج بقرض کردن اتفاق
بیتجهیل کرده است من
محتاج خواه بود

۲۸۷۴

روزنامه و یوم اتفاق پنج نهم شب نهم شهر مبارک مطابق سال قومی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بیرون

روز شنبه پنجم که اردوی همایون تشریف فرمای منزل آردان بود قریب یکصد و پنجاه نفر از فوج کردستان که چندی بود برای مشورت و اخبار بخلاف شده بودند با آردان آمده پاره عرضهای بی نامحدود که در فلان سال چیره و مواجب نرسیده است و برای جهان آرای همایون بلایل و تحقیقات واضح و واضح گردید که این حرکت آنها محض تحریک بعضی مردم بوده است که خواسته اند از چنین عرضها اخلاقی در کارمان الله خان عالی کردستان نمایند چرا که اولاً با اینکه استقامتی اهل حضرت اقتدار است در رسیدن مرسومات مقرره مبذول میفرمایند احدی ایارای آن نخواهد بود که در رساندن مواجب مرسوم نوکر بجدی تعقل نماید که بجا کپسای همایون عارض شوند و ثانیاً در صورتیکه در عرض خود صادق بودند میبایست پسالار که در طهران بود اظهار نمایند او بعرض خاکپای مبارک برساند و سبب از آن مزبور بدون اظهار بشا را لیه جارت و رزیده مبادرت بعرض خاکپای همایون کردند لهذا جمع آنها را حسب الامر قدر بسپایهای نظامی بسته تلبیه و سیاست کامل نمودند و مجبور شدند پسالار فرستادند که او ثانیاً غور در کتی حقیقت را بعرض حضور مبارک برساند که عرض آنها از چیه و بوده است

در شب چهارشنبه نهم که منزل حوض سلطان مقرر کوبه کوب همایون بود حاجی مبارک را شراکت طینت و خبث حضرت تالیه مزید خبط دماغ شد بدون سبب و جهت ولی آنکه سابقه معاندتی و حرفی در میان

۲۸۷۵

باشد عربه و پیرشان کوئی آغاز کرده بچی خان اجدان خاصه حضور همایون زخم قدم زده اهل
 مجلس و نوکران خواسته بودند او را بچسبند بکنف و دیگر را هم زخمی رسیده تا او را اگر چه جسک دزد و در حاکمان
 ساعت که مراتب بعرض خاکپسای همایون رسید حکم محکم همایون بیاست او شرف نفاذ یافت بیک
 نامبارکش عبرة للناظرین (رو چارشنبه نهم که موکب همایون از حوض سلطان ^{نشت}
 میفرمودند شتران کلانی که بحسین خان سرتپ شاهسون سپرده بودند در کنار راه حاضر کرده از سائ
 حضور و مهر ظهور مبارک گذشت چند نفر از شتران بواسطه عدم مراقبت صاحب جمع سابق که درست رست
 و روغن مایه کرده بودند لاغر و مفلوک بودند از جانب سنی ایچو انب همایون بحسین خان سرتپ ^{نشت}
 که شتر نفهم علاوه بر آنها بتیاع کرده زیاده گند و روغن منداب هم نسبت بسالهای سابق زیاد
 از دیوان مرحمت شد شتران را در نهایت خوبی نگاه دارند و آنچه همیم و مفلوک دارند روغن مایه

نموده چاق و مندره نمایند

چون منظور نظر خورشید اثر علی حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطان است که همواره
 بطور رعایات و تفقدات عوکانه شاهزاده حاتم السلطنه را قرین مفاخرت و سرافندازی فرمایند
 لذا درین اوقات که مغربی ایسه ابایالت و حکمرانی مملکت فارس سرافراز فرموده بودند محض ظهور
 مزید مرحسم علیه شان با عطای یکقطره نشان بگل با لباس از مرتبه دوم امیر نوبانی و یک شسته چاهل
 سز آبی موافق مرتبه نشان مزبور و یک شوب جنبه تره کشیری ز تردی پولک و وزی از بسوسنج
 بدین بار که سرافراز و قرین افشار و امتیاز بی انداز و مندره بودند

۲۸۷۶

در عهد سابق قرار بود که اردوی پادشاهی بر یک از منازل و دات عرض راه میرسد بعضی از
 از قیل و فراتشان جلوه شاطران و غلام و غیره در هر منزلی مطالبه رسد تعارفات مینمودند از
 باطل اردو بر عایا و برایا خسارت ضرر میرسد سرکار علی حضرت اقدس همایون محض رفاه علایق و رفع
 قواعد مذموبه مردم مشرف نمودند که اخذ مسومات مزبوره بکلی موقوف باشد و احدی از اهل اردو بدست
 عرض راه به سبب خواریت و مزاحمت نرساند و نشان جانمطاع همایون شرف اصداریافت که
 اگر در عبور و مرور موکب منصور از کسی مطالبه رسوم نمایند یا اگر بچشم حسد و زراعت کسی اذیت
 برسانند از آن داند که بتوسط نسیمی باشی که نظم اردوی همایون بعد از دست مراتب را
 بخاکپسای مبارک عرض نمایند تا از مرتبه سنی عمل آید که عبرت دیگران شوند و دیگر احدی
 پرامون خلاف قاعده نگردد

چون مراتب کفایت و کاروانی و محاسن قدوسیت جان نشانی فرخ خان امین الملک در حضور
 هر طور حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله و سلطان درجه قبول استحسان یافته بود با تشویق
 و فوراً مرحوم علیه‌السلام او را بتجدید مرتبتی و در حین خدمتی مخصوص و ممتاز فرموده با عطای لقب
 امین الدوله سرفراز و علاوه بر مناصب و خدمات موجود رسیدگی عرایض و مطالب علماء
 اعلام و شاهزادگان عظام و عنیره را بعهده اهتمام و محول و موکول فرمودند که بعضی خاکپای
 تالیون برساند و تدریجاً و نصب حکام ولایات محروم بشا ورت صوابد و پدید آید

دارالخلافه طهران

چون ماه مبارک رمضان از اوقات مخصوصه طاعت و عبادت و خلایق را از درگاه حضرت خالق
 جل شانه امید حضور و مغفرت پیش از سایر اوقات منظور خاطر است مالی دارالخلافه طهران از
 وضع و شریف بومی و غریب اغلب اوقات شبان روزی خود را در مساجد و معابد صرف طاعت
 و عبادت حضرت الهی و دعا کونی ذات علی صفات حضرت شاهنشاهی میدارند و هوای
 دارالخلافه نیز در بحال خوبه نهایت اعتدال است

شاهزاده نصره الدوله که حسب الامر الاقدس الاعلی پالت دارالخلافه امور پیاشند در نظام و
 انضباط ولایت بحال مراقبت و اهتمام را دارند و هر یک از چاکران در بارهایون که امور توقف و
 اقامت طهران هستند هر روز بحضور ایشان حاضر گشته عرایضی که داشته باشند بعضی میرمانند و اقرا
 احکام ایشان قارینمایند (پس سالار که بمقتضای وقت حسب الامر قدره درهایون ساپاش
 در طهران متوقف هستند هر روز در دیوانخانه نظام نشسته مراقب احکام نظامی و امورات قشونی و
 رسیدگی قورخانه و سایر خدمات متعلقه بجز پیاشند

اخبار دول خارجه

بقراریکه در روزنامه های فرانکستان نوشته اند به معلوم است که تحصیل علم و معرفت اتم فواید است
 و فایده آن در هر حال واضح باشد لهذا از جانب بعضی دول آورد پایتجه آنکه بعضی از رعیت و ایالت
 آنجا جاهل نامند و علوم و معارف و زبر و زرقی نماید در مواقع مناسب کتبخانه های متعدده درست
 نموده اطفال را تحریص و تشویق تحصیل مینمایند و تحصیل و استکمال آنها نهایت سعی و اهتمام دانند
 این اوقات مجلس ملی دولت بلچکا در باب تحصیل معارف پاره گفتگو شده است اعضا و امانی
 مجلس و فرقه شده اند رای بعضی بر آن شده است که بعضی اطفال که بالطبع باین تحصیل

۲۸۷۷

نیستند آنها را اجبراً آورده بکار وادارند حتی آنکه جس و زجر او را نیند در واداشتن
 تحصیل جایز دانسته قایل شده اند و بعضی تحصیل اطفال را منوط بشوق و میل خود اطفال
 دانسته گفته اند که تا شوق و میل خود طفل نباشد سعی و کوشش در تربیت مفید فایده نخواهد بود
 و باش و کیسل آن دولت تقریر و افاده نموده است که حکومت را در بادی و اول کار حق
 باجبار و از جبار با طفل نیست باید اولاً با آنها از روی ملایمت تکلیف نمود اگر آگاه داشته
 قبول گنجبار باید تحصیل واداشت لکن اجبار جسمی و پاره نفسیقات که معایر انصاف است
 لهذا این اوقات در دولت بچکافتار داده اند شخصی که نوشتن و خواندن نداند در علم حساب
 و قوف ندانسته باشد در صین نوشتن بدل عسکری اسم و را نویسنده و اشخاصی که صاحب
 فهم هستند اگر مدت خدمت آنها از آن قرار که اول داده اند یکسال هم کمتر باشد استندهای
 استخراج نماید از او قبول خواهند نمود و او را از اخراج خواهند کرد و کسیرا که نه فهم دارد و نه قوه
 استدراک علم مادامیکه زنده است چایداً آن شخص در سلک عسکری منسک باشد و اگر چنانچه
 طفلی مایل بر رفتن در کتبخانه های دولتی و عنیره و خواندن درس و تحصیل علم و معرفت باشد
 باید هیچ صنغی از اوصاف او را بشاگردی قبول نمایند و اگر مردی است تمام و غیرت در
 تحصیل علم و معرفت طفل خودش نکند و این کیفیت تحقیق معلوم کرد و آن شخص را نباید
 احدی هیچ خدمت ناموریتی وادارد

۲۸۷۸

در روزنامه های میلان نوشته اند که جنرال کوله سدرار بزرگ در دومی دولت استرلی که در
 لو مبار دیاست این اوقات بر حسب ایجاب از طرف اعلمحضرت امپراطور دولت
 استرلی معزول شده است و این منصب و جای او را بحثا لوزاده امپراطور که آرتشیدون
 البر باشد داده اند چون سبب اینکه حاکم و قائم مقام آن ایالت نیز از مشوبان اعلمحضرت
 امپراطوری است و اختیار حکومت و ریاست آن ایالت تکلاً با یک خانواده میباشد
 نهایت اظیت برای آنها حاصل است جنرال کوله بعد از معزولی از ناموریت سابقه خود
 مخصوصاً نامور طوسفانه شده و رفته است و گویا مقصود در رفتن او

بآنجا این بوده است که چون اهل طوسفانه بی طرف هستند

میخواهند بلکه آنها را بطور حرکت بطرف

خودشان جلب و دعوت کنند

روزنامه ذوقیات و تقابلیات یوم پنجشنبه هفتم شهر رمضان المبارک مطابق سال قوی ۱۳۱۲



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردو بی بی

عدم انتظام امور قشون دولت جاوید آیت اعمده علت این بود که در ایران از سوائف آیام الی
 الآن این قاعده و قانون مبتدول گشته که از رؤساده صاحب منصبان عالی ادانی سپاه هر کدام
 مرحوم میشد اولادی که از او بایستی میماند محال بایست بجای پدر منصوب بی تحصیل علم و آداب
 ریاست و لشکر کشی اگر چه صبی و طفل صنیع باشد بمنصب رفیع برقرار باشد حال آنکه شخص تا سالها
 بتعلیم قواعد هر شغلی و مراسم هر فنی اشتغال نوزده سهل است تا در سفر و حضر و مصاعب و معارک
 بخطر آرزوده و مجرب نباشد خلاف حزم و منافی نظم است جمع گنبد و جم غفیر از نپسندگان الهی را
 باختیار او گذاشتن چرا که تحصیل مناسب مناسب را استحقاق و استعداد می گنبد بی بدیهه میورد
 و نبی علیها السلام کار حضرت شاهنشاهی ابدان عیث و نظر همیشه برای حصول انتظام کلیه قشون
 نصرت نمون قرار دادند که بدون استحقاق و استعداد و شایستگی شخصی احدی را با عظامی منصبی
 سرفرازی ندهند اگر چه ابا عجز از صاحبان مناصب عالیه عا که نصرت آثر و رؤسای قبایل
 و عشایر باشد هر یک از چاکران درگاه کردن استباده و صاحب منصبان و سران سپاه
 از امیر تومان تا سلطان و نایب که از دولت چشمداشت حقوق خدمت قدمت دارند و مستحق
 دستمزدند که بعد از خود اولادشان جانشین و وارث منصب و مرسوم کرد باید در حال حیات
 خود در تربیت اولاد مراقبات کافی مرعی داشته اولاد خود را بفرستند در مدرسه علوم دولتی بتعلیم

و تحصیل علوم و قواعد لشکری قیام و اقدام نمایند تا از مراسم آن ربط کامل و سررشته تمام و تمام حاصل نماید و بعد از پذیرش استحقاق شخصی منصب مورد شایسته آید و الا محض رعایت حقوق اسلاف برای اخلاف اسباب حصول منصب نامول نخواهد بود و چشمداشت این عمل را بعد از این از دولت حق نخواهند داشت

و قشیکه اردوی کبیر پوی همایون تشریف فرمایی منزل آدران بود در آن منزل سه روز توقف فرمود میرزا نصرالله که خالصجات دارا بخلاف سپرده با دست از عهده خدمات مطهرین کاب همایون بسیار خوب برآمد و مشتملای خدمتگزاران را بر ابراهیل آورده خاطر هر مظاہر شاهنشاهی را از طرز خدمتگزاران اورضا مندی حاصل نمود لکن کتب و جبهه تیره کرمانی با و خلعت مرحمت فرمودند و دو دست توأم رسم موجب در حق او مرحمت برقرار گردید

جانسوز خان حاکم قم قیامین حوض سلطان و پل دلاک بزبانت کاب همایون شرف شده از انکشاف و مراسم طوکا به مفتوح گردید و میرزا حسن و نیز آنجا در پل دلاک بشرف تفضل کاب ظفر انتساب همایون شرف گشت در روز پنجشنبه دهم ماه که موکب فیروزی کوکب همایون تشریف فرمائی قم شد اهل شهر از عل و سادات و عموم مالی شرانان مذکور استقبال آمدند و کفر سخن شمر آوردند و بخدمت از دحام و جمعیت بود که برای مترددین از کثرت از دحام عبور و مرور صحبت داشت و قبل از تشریف فرمائی موکب همایون بسم اکثر جو بات با کولات کمال ترقی و تسعیر ادا داشت بعد از ورود موکب مسعود از بسکه از اطراف و حول و حوش هم چیز آوردند بخدمت و فوراً در زانی داشت که جمیع مردم کمال تعجب را دارند

۲۸۸۰

ولایات

فارس قورخان فارس خلی نظام است بطوریکه میتوان گفت که غیر از دارا بخلاف قورخان هیچیک از ولایات مورد سب آن انضباط و آراستگی نیست (هنگام با نوریست میرزا عبدالوهاب بن سرینک با فوج سه دابو ابجعی سهام الملک بمرحلت رسان سیور ساپچی و بر حوقه و ابعاد آن در دو سفر به بقدر سی تومان اجحاف کرده بودند بعد از آنکه سهام الملک زمین حکایت مطلع میشود محصل فرساده آنها را آورده است و در میدان شیراز تهیه نظامی نموده در دست اول انداخته است و سی تومان را سردار نموده برای اهل قندهار فرساده است و قبض اهل قندهار فرساده را که مهور بهر علمای بود و شوق خود را دریافت کرده بودند بحضور مبارک فرساده است

کرمانشاهان

از قریب یک در روزنامه کرمانشاه نوشته اند که موروثی لایت در نهایت انتظام و انضباط است و طرق و سرحدات کمال نظم و امنیت را دارد و مترو دین از زوار و غیره باطمینان خاطر و رفاه حال آمده می نمایند و در نعمت و ارزانی حاصل عاید بر ایالت عاشر که از او عا کومی دولت به دار چباشند (آقا رضا پاک فرانس خلوت که حامل حایل و نشان فرمان بسیاریون بافتخار شاهزاده عماد الدوله بود و در کردید شاهزاده و عموم انالی لایت شرایط استقبال بعمل آورده شاهزاده مغزی الیه حایل و نشان مبارک راز پیکر افتخار و رعیت بار خود ساخته بعد از صرف شربت و شیرینی و شکرشامی و است اقدس همایون خلدانته ملک و سلطان معاد بشهر نمودند (این اوقات که اخبار حرکت موکب همایون اعلی بنفتمینت اثر سلطنتیه برسد عماد الدوله با حصار افواج پر دخت ملک نیاز خان سر بنک کرندی و محمد حسن خان سر بنک کلر با فوج کرندی و کلر در میدان سبزه خانه و امیرزاده علی قلی میرزای سر تپ سر باز و سواره کلانی در خارج شهر منزل کرده هر روز صبح تا سه ساعت محمدا قاسی معلم جدید الاسلام مشغول مشق نظام و میرزا علی اکبر لشکر نویس مشغول سان افواج مشق تا حکم ثانی برسد

احتمالاً در دول خارجیه

در روزنامه های فرانسه نوشته اند که رئیس مجلس معقود در پاریس مستی به سناتور با اعضای موجوده آن رسنایان کرده و بشارت داده است که در قیال آنچ از جانب علی حضرت امپراطوری احکام صادر گشته و لفظاً ایراد نموده شده است تا موافق حقایق مطابق شیوه مدنیست باعث است دانی جمله و استراحت کامل همه است و بجهت تطبیق منظور علی حضرت امپراطوری باید من بعد از آنکه در آن نهایت ایت و اطمینان از علی حضرت امپراطوری داشته بشکرگزاری این مراتب سپرد ایم و از لوازم خدمتگزاری فرد که از نمایم اعضای مجلس مجموعاً تصدیق و تحسین قول رئیس انمود و تشکرات لازمه عمل آوردند (کیفیت عقد و ازدواج پرنس ناپلیون عموزاده علی حضرت امپراطور فرانسه در روزنامه های گذشته نوشته شده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسیده است بعد از آنکه پرنس ناپلیون دختر علی حضرت دولت سار دنیار عقد کرده و چندی در آنجا توقف کرده بود و اراده معاودت پاریس انزده باز و خود عازم پاریس گشته اند امپراطور فرانسه بعضی شنیدن خبر معاودت آنها بجهت استقبال آنها مستعدار و افنی از سک نظام و غیر نظام

تعیین کرده و تهر و تدارک شلیک و آتشباری زیاد نموده اند

بقراریکه در روزنامه های نویسنده این اوقات در پاریس رساله مخصوصی مسمی به ادوچونچی نامیون و سلا یا تیا طبع شده و این رساله را شخصی از صاحبان اعتبار و افکار تالیف کرده است این نامه ای پاریس که طبع شدن این گونه رساله مذکور و مشهور گشته است اکثری بیسل و شوق بخرداری این رساله نموده اند هنوز طبع آن رساله تمام نشده خیلی اشخاص هجوم و از دو حامی اجبه خریداری آن رساله نمایند در باب سبقت در خریداری آن رساله بایکدیگر قیل و قال در میخوانند و خریداری آن رساله را مقدم بر خریداری سایر ملزومات مایحتاج خود میدانند و نیز در روزنامه های نویسنده که از معتبران صاحب منصبان امورین دولت فرانسه در اردن نام شخصی این اوقات در باب سلا معینه استریه رساله مسمی به بخار به تالیف نمود و افادات شایان در آنجا بیان کرده است و این رساله هم در اقصیات بسیار شهرت کرده بوده است

در روزنامه های رسمی و یا نوشته اند این اوقات از جانب حضرت امپراطور استریه مجلس عربیه قرار شده است که ترتیب داده شود و پنج نفر از صاحب منصبان نظام اعضای آن مجلس باشند و خود امپراطور رئیس آنها بوده هر روز بقراری معینی در آن مجلس بنشینند و در مواد عربیه مکالمه نمایند پس از انعقاد آن مجلس از جمله احکاماتی که از آن مجلس بیدون آمده است اول این بوده است که اردوی دومی استریه را با همه لوازم و تدارک و مهمات اسباب و اوضاع آماده نموده بطرف ایالتیسا فرستاده و روانه نمایند و ثانیاً از جهت لزوم و احتیاج پست هزار اسب بایست خرید و تدارک نمایند و ثالثاً از جهت ملاحظه کردن و معاینه دیدن قلعه تیسکه در ممالک استریه موجود است یک نفر صاحب منصب مهندس منتخب و تعیین کرده بفرستند که قلعات را بدقت رسیدگی نموده و کیفیت تفصیل آنها را ترسیم و ترسیم کرده زود معاودت نماید و در باب اسب پیرون نبردن از ممالک استریه بجای آنکه لازم بوده است تنبیه و قدغن کرده اند که اسب پیرون نبرده باشند و راههای آهنی که از ویاز تا لوبیان است و در آنجا تارود و کار میشود از حمل و نقل اشیا، تجار و غیره قدغن کرده اند که بجهت

اینها که عسکر و مهمات بان سبها نقل خواهد شد باید از راههای

آهنی نقل شود و سایرین حمل و نقل از آن راهها را

موقوف داشته باشند

روزنامه و قانع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و چهارم رجب ۱۲۷۵



اخبار داخله ممالک هند و سیاه پادشاهی

اردوستان

بعد از فوزیارت و حضرت مصومنه قم علیا و علی آبا سادات نجفیه موبکب فیروززی کوکب تها یون تشریف فرمای منزل
 و روز دیگر از آنجا کوچ کرد و منزل فی از نزول ابلال فرمودند چون بیالی قدر و ایام قتل بود چند روز در همان منزل
 اطراق نموده و زیارت چهارم رایت خورشیدیت بمنزل خورشید پرتو نزول انداخت در عرض راه سرکار علیحضرت قدس
 شاهنشاهی خلدانده عزم شکانوده دست مبارک شکار فرمودند و در همان شکارگاه تیرپوشکی سکار کرده بحضور مبارک آورد
 بانعام طوکانه برده و کشتند از جمله غریبات نزدیک خورشیدیت بود از بالای تل کوچک مخروطی بسیار خوش وضعی آب میچوید
 و از چشمه که پیرون می آمد سنگ میشد برنگ نواج منبر معلوم بود که همان تل کم کم از همان چشمه شیده قتل سنگی شده است و
 در منزل خورشیدیت دو ستون سنگی بنظر رسید که از جمله آثار قدیمه تخیما هزار سال متجاوز از بنای آنها کشته بطور غریب
 جاری کرده بودند هر یک از آن ستونهاش پارچه سنگ بود که هر پارچه یک فرع و نیم ارتفاع داشت
 و در حوالی آن تپه خاکی بود که معلوم می شد آنجا عمارت بوده است از آثار آن معلوم میشد چهار ده ستون بوده
 برود هر دو از ده ستون افشاده و خراب شده و ستون باقی بود در صنعت جاری آن ستونها را
 کرده بودند که شش پارچه سنگ مخروطی بر روی یکدیگر بنوعی استوار و مستحکم ساخته بودند که بی شک با سر پیل آهنی شده
 کرده با کمال استحکام جهت کبری روی یکدیگر بساده بودند از جانب بی بی انچه بود مقرر کردید که اطراف آن دیواری کشید که فاصله
 آن دیوار محفوظ با نذر و زور که محلات منضرب خیم غرق چشم کردید و با سطح خوبی آید از یاد ترازی سایر منازل مطبوع طبع بر کفاده آنجا
 تا روزی فطر قرار است اطراق دادند اگر چه بعضا از راه ساده و فریب تر غریب سلاطین را فرموده بودند ولی چون آب بود

۲۸۸۳

سمت کرده و کزاز نسبت به آزاره کمال استیاز را داشت و قدمه و سایر اجناس در نهایت فور بود لهذا بملاحظه
 اینکه بوجد مسعود همایون بگذرد و مقررین کاتب مبارک را عسرت و تنگی حاصل تیباید آزاره همان اراده
 تشریف فرمائی بسلامتیه را فرمودند (نظر بطور خدمت و حسن کنایت عمید الملک حاکم کیلان که در اطاق
 امور ولایت آسوی رعیت حضور و بطور همایون مشهود و مکشوف گشته بود موازی کیوب کلیمه از طومرین مبارک
 خلعت بجهت او مرحمت فرمودند) میرزا محمد صادق رضوی ناظر سرکار فیض آقا حضرت امام ثامن علیه و علی بابا
 الف تجیه و انشا که بجهت انجام بعضی امورات و فزومات استاز مقدسه دار الخلافه علیه آمده بود بعد از تشریفاتی حضور
 اقدس همایون شامته درین پناه عرایض و استدعیات داشت بعضی حضور همایون سائید از آنجا که بجهت
 حضرت اقدس شریب امیل نام و شوق تمام بخدمتگذاری آن استازان یک پاباست سابقا عضد الملک
 باشی هم عرض است که کرده بود که از مالیات موقوفات سرکار فیض آقا برای صرف کارخانه مبارک کائنات
 قرار نهاری بجهت فقرا و غنبر از این آن استازان پاک گذارده شود این دفعه که ناظر میرستدعی کردید اچا بجهت
 امر و مقرر فرمودند که مبلغ پانصد تومان از موقوفاتی که موقوفه سرکار فیض آقا بر پهل ستمرا بختیست بر قرار باشد
 که به ساله مبلغ مزبور در کارخانه مبارک استاز متبرک با اطلاع متولی باشی صرف بنهار کارخانه قرار که بتعیل
 علیه امام همام علیه و السلام مشرف میشود و مایه ذکا کونی است اقدس همایون بوده باشد موازی کیوب
 عباسی تره کشمیری و در سلطه اعلی برسم خلعت در حق مغزی الیه رحمت گردیده در اوج جان طاع بشرف اصدار نمودن
 و مغزی الیه اذن مرخصی حاصل نموده و آنه آسان در دست نشان شدند (ناموریت میرزا زانخان بجهت پسر مستفی دولت
 علیه با قامت قهر مصر در روزنامه قبل کارشیش شده بود در این اوقات حضور حضرت و غایت در حق مشار الیه معادل
 یک قطعه نشان از مرتبه اول سرنگی از جانب تنی ابجانب همایون مرحمت دید) شاهزاده اردشیر پزار کن اوله
 که از آذربایجان آمدند در قسم شرفیاب حضور با هر انور سرکار حضرت قدرت شاهنشاهی مقدمه و سلطان
 شده مورد الطاف اشفاق طوکانه گردیده مردم مقرر فرمودند که درین سفر حیرت اثر طرمم و کاتب نصر شاه همایون

۲۸۸۴

ولایات محروسه

دار الخلافه طهران از برای پیش رفتن صاحب منصبان فرانسه تربیت تعلیم سپاه منصوره اولیای دولت
 قاهره میرزا کی سرنگ قوچانه را که در زبان فرانسه علوم توچانه و هندسه بطکانی دارد و تا بحال در مدرسه در انور
 مشغول تربیت متعین توچانه بود نامور فرمودند که در مشق اعمال توچانه و هندسه ایشان باشد و با نامور فرمودند که
 نماید و فرامرزخان سرنگ که در اعمال هندسه ذتی کار کرده است و سرشته و افنی بهم رسانده است چنانچه مخصوصا
 با صاحب منصب هندسه بوده مراقب کار او باشد و نیز محمد علی آقا نایب وجود انباشی نامور است که بجهت مشق سایر اعمال

بیاد نظام در پهلوی ایشان بوده و تملک و مواظبت باشد و سواد حکم نظامی متوجه به دستخط همایون قدس شاهنشاهی
که در پنجاب صادر شده از این قرار است

بنا بر شرح در رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۰۰ قمری قریب خیرت لیل مرقوم بشود که عالیجاه مسیود میار کاندان زمین صاحبان
فرمانده بنا بر خواهش اولیای دولت علیه از جانب اولیای دولت انسه با صاحب منصبان جمعی خود را مورس و تعظیم
شون نصرت نمودند و با بر کمال موالات اتحاد و دوستی در وقتین در کتبین رجب امر قدرت حضرتک یونیک
بوجوب این حکم نظامی معلی کل قشون از تو بجان و قور خانه و پیاده غیره بعد عالیجاه مشارالیه محول گردید که در کمال
وقت درستی در تعلیمات نظامیه مساعی جمیده معمول دارد و تعلیمات تو بجان و قور خانه و پیاده نظام ارتقا
مشاربیه بوجوب تفصیل ذیل حسب الامر بصاحب منصبان فرانسه محول است

تعلیمات تو بجان و قور خانه و پیاده عالیجاه تعلیمات متعلقه به بعد عالیجاه مسیود متعلقه به نظام بعد
مشاربیه عالیجاه مسیود متعلقه به نظام بعد عالیجاه مسیود متعلقه به نظام بعد
آخبار قشون چون این روزها ایام مبارک است عساکر منصوره متوقفین در انخلات الباهره از مشق
معاف هستند ولی تجد اینکه صاحب منصب بالره عاری و تارک نباشند پس الار قرار داده اند سه ساعت
غروب نازده صاحب منصبان جز افواج در میدان ارک حاضر گشته یک ساعت و نیم مشق تفنگ کرده برخص بشوند
بهر روز سه ساعت از روز قور خانه مبارک که آمده مشغول سرکشی امور آنها و راه متفرق قور خانه
و طرقات سفر متعلقه به ایشانند و همچنین تارک بوجوب چیزه افواج را آنچه از دیوان همایون مقرر گشته در دیوانه
نظام بدقت داده میشود (شبهانیز تا ساعت پنج و شش بعضی از شبهات طلوع صبح سپهسالار در دیوانه
نظام یاد خانه خود بنشینند همه صاحب منصبان و لشکر نویسان هر کدام مشغول انجام کار خود اند و
چون مرز افواج با ورتو بجان مبارک که سالها در تو بجان مبارک بصدافت و درستی خدمت کرده و هر خدمتی که بشود
محول گشته در کمال نظم در انجام آن کوشیده اند از فرمان همایون منصب سرنگی تو بجان مبارک و تحویل داری تو بجان
کل امور سه سرفراز شده و فوج هشتم تو بجان که در دستبندی معین شده از طایفه قراکو ز لود و نماندی و جدائی هستند
ابوایم جمع مشارالیه گردید که در کمال نظم و حسن سلوک نگاه داشته به همه مراقب امور آنها باشد (شرف فوج
کردستانی بانی بر قاری و اسناد در میان فوج گذاشته و حسب الامر همایون قدس سپهسالار در آنچه
مضبوط نمود که من بعد هیچیک از مشرفین افواج جز ات افساد و عطف نخواهند کرد

اخبار و دل خارج

از قراریکه در روزنامه جریده الحوادث نوشته اند در روز ناجای گذشته کیفیت تسویه و ساختن شدن اه
از رزده آروم نوشته شده بود بقراریکه در این اوقات نوشته اند مطابق و موافق همان کیفیت بطرز و طور از

۲۸۸۵

طرا بوزان فرستادن در ساختن برده نموده اند و الی فصلی کلا مجازاً در آزاره بکار کردن و علی نمودن مشغول هستند اخراج حریفان
از بابت اسباب و مصالح کار و پیشگیل چیزها یکصد تومان تجاوز میشد است چون این آزاره تا بزرگ کوه بوزان باید ساخته شود
مصارف جزئیه تا با آنجا رود و مقابل مصارف گذشته آورده اند چون این مکتوب در دست است که با خبر بدست آمده است
و الی طرا بوزان مجرای این از خود بعنوان پیشگشاده بادیوان محسوب شده است (در تفرار که در جرین احوال شسته اند
شخصی علی نام از امالی کشش خانه از جهت اینکه داخل سگ عسکری نشود و دو سال قبل یک مناسبتی فراراً بطرا بوزان آمده
و از آنجا بکرستان فرود آمده است در کرستان در محل توپا یس نام چندی قرار و اقامت نموده و در آنجا
خود را داخل تخریب و سینه کرده و اسم خودش اسم به پسر علی او علی اطناسش تبدیل نموده و یکجا بعد از این بجهت
مقدمه باز خود بطرا بوزان کرده است بعد از طرا بوزان بدون ذکره بجانب کراسون عزمیت نموده است
و در آنجا چون از فراری و غیر فراری اهل نظام جو یا میشد فراری بودن این از قرعه نظامی محقق و
دستین گشته از کراسون او را گرفته با منصب بطرا بوزان فرستاده در آنجا هم مشخص شده بود است که این
بمان علی نام است که فراری بوده است او را در مجلس نگاه داشته بودند که با سلا مبول بفرستد درین بین
قونسول روسیه معتمد طرا بوزان لباس رسمی خودش پوشیده و با اجزای قونسول کری و ترجمان و سینه
از کتاب قومپانیه واپور در صورت رسمی با تقاضای بیگانه الی آمده و در خارج عمارت در جانی توقف
کرده شخصی پسر علی او علی نام را نزد والی فرستاده و او را بنزد خودش دعوت کرده و حواس
والی در جواب ایستادن آنها را در آنجا باعث قیل و قال و کس ناموس دانسته و بالا آمدن آنها را
خواهش و التماس نموده است و قونسول در جواب گفته است که من پیش والی نخواهم رفت مجلس
گیرم مردم والی هم بسیار آنجا و در حال قونسول مجلس کبر عزمیت مینماید و قدر اراقدی رئیس مجلس
چون ازین مقدمات خبر داشته است آمدن قونسول در آنجا معطل بعضی نهانستند من باب تعارف
و دستاورد صورت مینماید موافق معمول استقبال از قونسول میکند و قوه و حق و عنبر می آوردند و لوازم
خوش آمدی بکار میسر قونسول مزبور هیچیک از اینها را قبول نمیکند در این بین والی مجلس کپری آید
قونسول پسران افاده مینماید که این شخصی که بنام پسر علی او علی اطناسش است و شما مجلس نموده نگاه داشته
الآن او را میخواهم دقدر در جواب میدید که این شخص که شما میگویند علی نام است از فلان قریه بجهت فرود
عسکری فرار نموده است حال او را بدست آورده مقتضای ملاحظه اصول نظام باید او را با سلا مبول بفرستیم و
خلاص نمودن او محذوریم قونسول این افادات قبول نمیکند و در حال رسا پر و نشو نموده و معاودت مینماید و این کیفیت
در جریده از روزنامه قسطنطنیه نقل نموده و بی حق بودن قونسول روسیه را بیان و افاده نموده است

۲۸۸۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ۱۲ شهریور سال ۱۲۲۵

نمره چهارصد و سی و یکت

منطبه دار الخلافه طهران



قیمت و زمانه
بر سر درگاه

قیمت و زمانه
بر سر درگاه

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

ارژویسیون

روز پست و سیم شهر رمضان المبارک موکب فیروی کوکب هایون در محلات شده در آن مکان نشانی نبرد
اجلال مشهورند که چه در غالب منازل بر سیع مشرقین کباب طغرافتسایب بی خوشی که شب بود آن در منزل محقق
که هفت در ایام توفیق داز نزول بارانهای موع و هوای بسیار خوب و ارزانی فرادالی نعمت و وجود مسعود
هایون و قاطب مردم از نو کرد و عتیت اید الوصف خوش گذشت همه خلایق عاکوی ایصال اقدس بسیار
بودند و سرکار اقدس هایون بعضی روزها که بشکار تشریف میبردند شکار بسیار خوب میشد از جمله در روز کیشنه
پست و هفتم که بشکار تشریف فرما شدند سه قطعه شکار را بدست مبارک صید فرمودند و نظمنم اردوی هایون هم
بطوری بود که جمع ریش سفیدان محلات متفق بودند که اینگونه نظم و بی از اردوی بزرگ در سیح عمد و او ان
مشهور و مسیح گذشته است هیچیک از چاکران و پادشاهی هم در عهد سابقه باین نظم و ترتیب و عدم آید
پس فرید و محالی عبور کرده اند از روز حرکت از دار الخلافه تا روضه شهر رمضان المبارک که روزنامه نویسی
از عبور اردوی هایون حاصل احدی بقدر پرکاهی عیب نگرد است در منزل محلات رجائیکه اردوی هایون
باید قامت نماید پاره زمین بود که برای زراعت جنبه شخم کرده بودند و کشتن آنها که کشتن
پاره از اهل اردو از بابت تنگی مکان لا بد باید در آن زمین چادر زده سکنا نمایند تا خبر اخبار شد که در آن
زمین از اهل اردو و مشرقین کباب هایون هر کس منزل نماید و چادر بزند هر قدر ضرر و خسارت آن باشد از جانب
ستی ایوان هایون عوض مرحمت خواهد شد و در وقتیل از حرکت اردوی هایون حاجی میرزا حسین میرزا

قدر قدر همایون بین مزبور را که محل اقامت اردو بود باز دید نموده ضرر آنرا باز دید کرده موافق نصیحت
 و رضای صاحبان بین ضرری که وارد آمده بود علیحضرت اقدس همایون نقد مرحمت فرمودند و معتمد
 حساب لامر همایون هر یک از صاحبان املاک را در دیوانخانه عدلیت خواسته استخوان آنها را بدست
 خودشان دادند و از ایچته زیاده از اندازه مردم دعاگوی دوام بقای ذات همایون شدند دیگر آنکه
 روزی یکی از اهل محلات بیابغ خود رفت قدری علف چیده بود هنگام پیرون آمدن از بیابغ یکی از
 قراولانی که مستحفظ باغات محلات و زراعت بود دزدان را کمان اهل اردو کرده گرفتند و تا آنکه از اهل
 محلات آمده شاد و تاده بودند که این مرد صاحب آن بیابغ است آنوقت غدر خویش را در امان
 بدون صدور آن کرد و در دانی که متعلق بعراق و محل ایالت هزاره نصره الدوله حاکم طران است
 همه جا میرزاده عبدحمید میرزا پسر مغزی الیه محمد حسن خان سرتیپ افغانی ملثم رکاب همایون بودند و
 لوازم خدمتگذاری ابله آورده خاطر مبارک را از طرز خدمات خوشنود شد و در محلات پیوسته
 یا در نایب محلات یکطاقه شال کرمانی خلعت مرحمت شد و در روز چهارشنبه سلج بهمت کمره تشریف فرما
 در روز شنبه سیم شوال موکب همایون از منزل و رجه که آخر خاک کمره است تشریف فرمای منزل سالی که اول
 خاک گراز است میشد چون در این بین زل شکار کوهی آهوه و غیره فراوان بود شبانه سوار زیاد بصورت
 کمره نامور فرستاده بودند که آهوه را برانند از جای معین که آهوه خواهد گذشت عبور دهند و حضرت
 شاهنشاهی در همان گذرگاه بادوسه نفرات لشکر اران خاصه نشستند بعد از ساعتی آهوهی زیادی آمد مردم
 شکار نمودند درین بین که حضرت شاهنشاهی در همان تنگ گذار آهوه توقف داشتند یک شکار از آن بسیار بزرگ
 و کهن سال و بروی سرکار اقدس همایونی در آمده تا بدو قدمی رسید سرکار علیحضرت شاهنشاهی بان
 لشکر که برای شکار آهوه حاضر بود در کمال سرعت و چابکی یک خوک بسیار بزرگ و یک خوک دیگر که اندک
 از آن کوچکتر بود هر دو را بدست مبارک با تفنگ زدند و آنروز در شکارگاه بوجود مسعود همایون
 بسیار خوش گذشت (در روز شنبه سیم که از رجه که آخر خاک کمره است حرکت میفرمودند
 یکثوب جبهه کرمانی بنوروز علی پیکر نایب الحکومه کمره خلعت مرحمت فرمودند در آنجا هم چون تخمین
 مکان چادر ملثمین کباب مبارک در میان زراعت افتاده بود بسطغ پنجاه تومان بانعام رعایای آنجا
 مرحمت فرموده معتمد الدوله مقرر فرمودند در آنجا مانده بصاحبان زراعت تقسیم نمودند خوشنود شدند

۲۸۸۸

ولایت محروسه

کرمان در روزنامه آنجا نوشته بودند که محمد اسمعیل خان وزیر و اردو کرمان شده اعیان و اشراف

لوازم استقبال و احترام عمل آورده بودند و همه مردم بدعا کوی و شمشاد جوی ذات اقدس پهل زبان
گشوده تنهای شکرگزاری نمودند و محمد شمسعل خان در غوررسی امور دیوانی دولتی آلی اتفاخل
و مستهای مراقبت امری میدارد و قدغن کرده است که از بلده دبلوک هر کس از بابت سینه
بامیرزا محمد وزیر سابق حساب و معاطه دارد بسیار در دفترخانه محاسبه خود را بپردازد و
تفریح محاسبات سینه ماضیه باشند

کرمانشاهان از قراریکه نوشته اند امر سرحدات در کمال انتظام است و مترددین با نهایت
آسایش عبور و مرور مینمایند و فوج کلیانی و کلهر را شاهزاده عمادالدوله بشهر احضار نموده مانده
در تهر خانه نمودند که چند روزی در خانه بمانند با قضای وقت باز احضار شوند و سید احمد خان
و که برای سان نوکرا بواجبی خود پرداختن بواجب آنها بانو کرا بواجبی بشهر احضار شده است
و یکصد نفر از سواره و در شاهزاده عمادالدوله نامور کرده اند که مترددین از شرفالی کردند
پس شیخ بگذرانند و الترام سپرده است که اگر در آن میان اسپه پانبار سد از عمده بر آید

خبر رول خارج

در روزنامه های فرانکستان نوشته اند چنانچه سابقا در روزنامه نوشته شد دولت سار دینا معادل
ده کرو را از طرفان لندن استعراض نموده بوده اند و طرفان آنجا بسبب بعضی ملاحظات و مضامین
در قرض دادن عذر نیا آورده جواب نیا داد و پاره اندامالی و تعین دولت پس از اطلاع و استحضار از
این کیفیت مبلغ مرقوم را در کمال ممنونیت به دولت خودشان داده اند (در روزنامه لندن نوشته اند چون
از قطع المانیها سبب حیوان بکش خارج نمودن منع و قدغن کرده بودند این اوقات بجهت لازم بود
اسب و کت سار دینا مور مخصوصی بگلین فرستادند و خواهش آنها در آنجا عمل آمده است چون سابق
بر آن پیش از جانب دولت سار دینا از طرفان لندن استعراض کرده بودند و نظر بعضی ملاحظات این

صورت گرفت حال مقدمه صورت گرفتن ایشیاعی اسب محل تجبات

و نیز در روزنامه های لندن نوشته اند بجهت وقوع بعضی مصارف در هندوستان بقرض نمودن مقدار
از طرفان لندن از جانب دولت قرار داده شده است (در روزنامه های ترسده
نوشته اند که از جانب دولت اترالی امر و قدغن شده است که بعد از این در روزنامه ها

آن دولت از بابت محامات هزینه و مدارک

چیزی نویسند

۲۸۸۹

در روزنامه‌های انگلیس نوشته اند که مذکرت دولت انگلیس نهایت اهتمام و دقت در زنده کردن خود دارد
 و در کشتی ساز خانها دایما بکار کشتی ساختن از همه قسم مشغول هستند این اوقات عملاً کشتی ساز خانها
 دو قسمت کرده اند یک قسمت را قرارداد اند که روزگاری کشتیها را آسایش نمایند و قسمت دیگر از عملیات
 جهت کار کردن شب معین نموده اند و سبب اوضاعی که بجهت کار کردن در شب لازم است از بابت چراغ خانه
 و غیره همه را ترتیب داده اند (در روزنامه‌های فرانسه نوشته اند که این اوقات خیلی آدمها با احتیاط
 و شوق خودشان بسبب عسکری داخل شده اند و این کیفیت در آنجا بسیار متعجب کننده و مدوح شده است
 در جریده اخبار لندن نوشته اند که در چهار پنج سال قبل از صرفان معتبر انگلیس قومیانیت قرارداد داده اند
 و خانه تجارتی در اسلامبول بجهت منفعت تجارت باز کرده اند چون ابتدای ایجاد و شروع در هر کار
 چندان نفع متصور نشود بلکه گشت اوقات باعث ضرر و خسارت میگردد تجارت مزبور در مدت یک دو سال
 بجهت عدم معرفت بحدای تجارتی آن محکمت مبالغ کلی متضرر شده اند و اصل سرمایه آنها قریب نصف در دست
 آنها باقی ماند پس از آن اوضاع اولی را تغییر داده اند و از پارچه اطوار و کیفیات متعجب کننده اند ما مورین
 و شرکائی که در بر ولایتی داشتند مشغول امر تجارت شدند این اوقات که بجهت رسیدگی امر تجارتی خودشان
 و باز دیدن ضرر آن شرکا و ما مورین خرج در احوال رسیدگی در محاسبات خودشان کرده اند عوض ضرر
 و خسارتی که در سالهای قبل روی داده بوده است در احوال منفعت نموده و بقدر پنجاه شصت هزار پوند
 علاوه بر سرمایه برده اند) (در روزنامه‌های لندن نوشته اند کیفیت عدم خوشنودی مالی جزا
 از ما مورین دولت انگلیس میل نمودن آنها بدولت یونان و ما مور کشتن کثیر آدم این کافی بجهت تحقیق و صلاح
 احوال آنها از جانب آن دولت در روزنامه‌های پیش نوشته شده بود آن ما مور پس از رقتن ملاحظه احوال
 مالی آنها را کرده و قرارنامه مجد و مشتمل بر صلاح احوال قرارداد داده بود بموجب اخباری که این اوقات سید است
 از جانب الی آنها بجهت صلاحات آنها قبول گشته و از هر کایا غیبه با غیبه خودشان دست کشیده اند
 و آشکارا روپن بدولت یونان اظهار میل و رغبت نموده اند و بنا بر اقصای رضایت با ما مور آنجا در مجلس
 لندن قرارداد اند خطین و ما مورینی که در جزیر ما کذا رده بودند بمذاکرات آنها را علاوه کبینه و قطع
 در تصرف ما مورین دولت انگلیس بد حکم سازند و مصوبه نمایند) (در روزنامه‌های لندن نوشته اند
 این اوقات نظر بعضی خصوصیات امورات داخلی ما مورین و کلای دولت انگلیس خستلافی ظهور نموده است
 و پس از ظهور این اختلاف و کلای داخلی در کلای تجارت رسماً از شغل و عمل خودشان
 استعفا نموده اند

۲۸۹۰

روزنامه و قیام اتفاقیه بیخ یوم پیشه ششم شهر شوال المکرم مطابق سال قوی



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

اردوی همایون

بعد از گذشتن بر کبک هایون از خاک کمره از منزل مساک که اذل خاک کزاز بود تا لایر همه جا چه از حلیت است
 و هوا چه از جهت شرا و الی و ارزانی تا کولات و اقیات و آسودگی عاتمه مردم و خوشی کوه و صحرا که بتهای
 سبزی و نظافت آریسته بود بر وجود مسعود همایون و مظهرین کاب ظفر مقرون بسیار خوش گذشت
 حاصل از یک جهت که جمع امالی عراق از طرز رفتن و سلوک و مراقبت شاهزاده نصره الدوله و کسان این
 کمال رضا مندی داشتند و از صمیم قلب دعا کونی وجود مبارک را تقسیم نموده زبان بشکرانه این نعمت گشوده
 بودند در منزل که یکی از ذات سخاوت است بجهت آنکه چشمه آب بسیار خوبی در آنجا بود که از پامی کوه از یکجا فر
 به پست شک آب میچوید و پیرون می آمد و بسیار هم خوش هوا بود سه روز توقف فرمودند و در همانجا بشک
 شریف فرمائند در یک روز چهار قطعه شکار بدست مبارک فرمودند چون شهر سلطان آباد با آنجا جا
 فرج مسافت داشت علماء عراق بشرف در کعبت حضور همایون شرف گردیده مورد تفضلات طوکان
 گردیدند و در حق آنها خلعت مرحمت شد و چند روز ایام توقف آن منزل هر روز با ستم اربابانهای نافع
 آواز جلد در کیش بطوری باران آمد که سیل برخاسته از کطرف اردوی همایون با آنکه معبر سیل نبود علی
 سیل جاری گردیده بعضی از چادر و فرشهای اشخاصیکه در آن معبر سیل چادر داشتند مثل محسن سیرزای سیرا
 و ایشیک آقاسی باشی و حکیم تولونر حکیم باشی فرانسه و غیره را اثر کرد اگر چه زود خیر شد و چیزی از کسی نبرد
 لکن ریخت و فرودش مردم را بسیار تر کرد و بسیار زود گذشته نام شد (نظر با آنکه آسودگی و رفاه

۲۸۹۱